

جنایات علیه بشریت در نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری با تأکید بر دادگاه یوگسلاوی سابق

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

سیده مریم موسوی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه قم

چکیده

جنایات علیه بشریت، جنایاتی هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند و آنچه آن را مخوف می‌سازد این است که این جنایات توسط دولت و سایر سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند طراحی می‌شود و فرد مرتکب به‌عنوان بخشی از حکومت مرتکب آن می‌شود جنایات علیه بشریت، مفهومی وسیع‌تر از ژنوسید(نسل‌زدایی) دارد. در جنایات علیه بشریت، لازم نیست که یک گروه خاص مورد هدف قرار گیرد بلکه به‌طور کلی، یک جمعیت غیرنظامی شامل گروه‌های سیاسی و غیره ممکن است موضوع این جنایات واقع شود. همچنین برخلاف جنایت ژنوسید(نسل‌زدایی)، در جنایات علیه بشریت، هدف مرتکب لزوماً از بین بردن گروه خاصی نیست، بلکه منظور اصلی او اذیت و آزار آنها است. از جمله جنایات علیه بشریت می‌توان قتل، به بردگی گرفتن، ریشه کن کردن، محبوس کردن، شکنجه، خشونت‌های جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص، اعمال غیرانسانی مشابه را نام برد. هر کدام از این موارد در نظام‌های کیفری واجد وصف مجرمانه هست اما آنچه چهره زشت‌تری به این اعمال می‌بخشد ارتکاب منظم آن‌ها در پیشبرد سیاست یک دولت می‌باشد. یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیرنظامی است که جنایات علیه بشریت نام می‌گیرد. به همین دلیل ما نیازمند دادگاه بین‌المللی برای این افراد هستیم تا بتوانیم دور از تحت تأثیر قرار گرفتن محاکم به مجازات محاکمه این افراد پردازیم. در زمینه جنایات علیه بشریت کنوانسیون‌های فراوانی وجود دارد که مهم‌ترین جدیدترین آن‌ها اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی می‌باشد.

واژگان کلیدی: جنایت علیه بشریت، جنایت ژنوسید(نسل‌زدایی)، حقوق بین‌الملل

کیفری



بخش اول: کلیات

حقوق بین‌الملل در قرن بیست به مقوله حقوق بشر ورود پیدا کرده‌چند واژه‌ی جنایت علیه بشریت به‌طور جسته و گریخته از قرن‌ها پیش مورد استفاده قرار می‌گرفته ولی در شکل فعلی آن در سال ۱۹۱۵ میلادی به کار رفت. در آن سال سه قدرت بزرگ یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه در اعلامیه‌ی مشترکی قتل عام ارامنه ترکیه را جنایت علیه بشریت دانسته و مرتکبان را مسئول دانستند. مهم‌ترین تغییری که تعریف جنایت علیه بشریت طی سالیان داشته است قطع ارتباط آن با پدیده‌ی جنگ است. توضیح آنکه قبلاً این جرائم تنها در حالت وجود جنگ قابل تصویر بود دسته‌ی دیگری از جنایات که در بند ماده‌ی ۶ اساسنامه‌ی نورنبرگ آمده است جنایات علیه بشریت است که شامل موارد زیر می‌گردد. قتل، نابودی، برده گرفتن، تبعید و هرگونه اعمال غیر انسانی دیگری که علیه سکنه‌ی غیرنظامی قبل یا در خلال جنگ صورت می‌گیرد یا اعدام‌هایی که به جهات سیاسی، نژادی یا مذهبی انجام می‌شود اعم از اینکه این شکنجه‌ها مخالف یا موافق قوانین داخلی کشور محل ارتکاب باشد. علی‌الأصول، جنایت علیه بشریت در ماورای قلمرو و جرائم جنگی سختی شامل هر نوع اقداماتی می‌شود که علیه سکنه‌ی غیر نظامی صورت گیرد. این تحولات به عنوان توسعه و گسترش حقوق جنایی و بین‌المللی تلقی می‌گردد. از طرف دیگر با تدوین کنوانسیون کشتار دسته‌جمعی برخی از مفاهیم جنایات علیه بشریت مقبولیت حقوقی پیدا کرده است. جنایات علیه بشریت از سوی مجمع عمومی ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ و توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفت. بنابراین به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی لزومی ندارد جنایات علیه بشریت در ارتباط با مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا به‌طور کلی در ارتباط با هر نوع مخاصمه دیگری، آن گونه که در منشور نورنبرگ و توکیو لازم بود واقع شوند. به‌طور کلی عناصر اساسی که میان همه جنایات علیه بشریت مشترک است عبارت‌اند از عملی است غیرانسانی در ماهیت و خصوصیت که به‌قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان یافته انجام می‌شود و علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابد.^۱ دادگاه

^۱ - آقایی، حسین، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۲۹.



کیفری بین‌المللی^۱ برای یوگسلاوی سابق^۲ مطابق قطعنامه صادره توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد در اساسنامه خود مکلف به اعمال صلاحیت در مورد جرائم علیه بشریت^۳ شد.^۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق صلاحیت خود را تنها در مورد جرائم علیه بشریت در خلال مخاصمات مسلحانه واقع شده در یوگسلاوی سابق اعمال نمود. در مورد جرائم علیه بشریت و ارکان آن تقریباً رویه قضایی منسجم و واحدی در آراء این دادگاه مشاهده می‌گردد. اضافه کردن این قید در اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق مبنی بر این که جنایات علیه بشریت باید در یک مخاصمه مسلحانه ارتکاب یابد ممکن است تشخیص بین جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را دشوار سازد. با این حال تمایز در این مورد هنوز وجود دارد.^۵ ماده ۵ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق تحت عنوان (جنایت علیه بشریت) تصریح می‌کند که دیوان نسبت به تعقیب اشخاص مسئول جرائم زیر هنگامی که در یک درگیری مسلحانه، اعم از داخلی یا بین‌المللی ارتکاب یافته و علیه اشخاص غیرنظامی هدایت شده‌اند صلاحیت خواهد داشت: ۱- قتل عمد ۲- نابود کردن ۳- به بردگی گرفتن ۴- اخراج ۵- حبس ۶- شکنجه ۷- هتک ناموس به عنف ۸- آزار و اذیت به دلایل سیاسی ۹- سایر اعمال غیرانسانی^۶

۴۲۹

ماده ۳ اساسنامه دیوان رواندا از حیث تعریف جنایات علیه بشریت همانند ماده ۵ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق است با این تفاوت که شرط اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق مبنی بر این که جرائم باید در حین یک درگیری مسلحانه ارتکاب یافته باشند را حذف کرده است. با این حال ماده ۳ اساسنامه دیوان رواندا صلاحیت دیوان برای تعقیب اشخاص مسئول برای جرائم مشروحه را به قید (هر گاه در چارچوب حمله گسترده یا سازماندهی شده علیه مردم

^۱ - آقایی، حسین، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۳۵

^۲ - ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به جرائم علیه بشریت اختصاص یافته است.
^۳ - offences against humanity.

^۴ - جنیست مکان، حسین، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۲۹.

^۵ - ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق به جرائم علیه بشریت اختصاص یافته است.

^۶ - از صفحه ۲ مجدد آورده شود.





غیرنظامی و دلایل ملی سیاسی قومی نژادی یا مذهبی واقع شده باشند) محدود می‌کند. از این رو اساسنامه دیوان رواندا، قصد تبعیض آمیز را در هریک از جنایات علیه بشریت علاوه بر سایر شرایط مندرج در منشور نورنبرگ و توکیو و اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق لازم می‌داند.^۱

بخش دوم: تعریف جنایت علیه بشریت

در حقوق بین الملل جنایت علیه بشریت به اعمال قساوت باری اطلاق می‌شود که بر ضد انسان‌ها انجام می‌گیرند که این اعمال در قوانین بین المللی بالاترین جنایت قانونی در حق بشریت تلقی می‌شوند. جنایت علیه بشریت جنایاتی است که به علت شدت قساوت آن وجدان جامعه جهانی بر اثر وقوع آن جریحه دار می‌شود و اولیای دم این جنایت کل بشریت است جنایت علیه بشریت در معاهده رم چنین تعریف شده:

جنایاتی که شان انسان را کاسته و مقام و منزلت انسانی را پایمال می‌کند.

جنایت علیه بشریت، جنایت علیه انسانیت است که برخی اصول کلی حقوقی را نقض می‌کند و موجب نگرانی جامعه بین المللی می‌شود. جنایت علیه بشریت جرمی بین المللی است که نتایج و پیامدهای آن فراتر از مرزهای بین المللی رفته و به لحاظ اهمیت و شدت به اندازه‌ای است که محدوده‌های قابل تحمل تمدن جدید را در نوردیده است.^۲ اولین استفاده تخصصی از اصطلاح جنایت علیه بشریت در منشور نورنبرگ بود. بند ۳ ماده ۶ این منشور که شامل مواردی از جمله قتل عمدی، ریشه کن کردن به بردگی گرفتن، تبعید یا هر عمل غیر انسانی دیگر که علیه مردم غیر نظامی قبل از جنگ یا در حین جنگ ارتکاب یافته باشد و با تعقیب و آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اجرا یا در ارتباط با یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه می‌باشد. اصولاً جنایت بشریت با جنایت جنگی مساوی نیست بلکه جنایت جنگی شاخه‌ای از جنایت علیه بشریت می‌باشد. این جنایت جرایمی می‌باشد که دولت‌ها در کشورهايشان علیه اتباعشان انجام می‌دهند اما جنایت جنگی در کشورهای اشغال شده صورت می‌گیرد در این مطلب در منشور نورنبرگ نادیده گرفته شده است. در مورد

^۱ - جنسیت مکان، حسین، حقوق کیفری بین المللی، ص ۱۳۰.

^۲ - آقایی، حسین، حقوق کیفری بین الملل، ص ۱۲۴.

جنایت علیه بشریت این نکته حائز اهمیت است که این جنایت علیه انسانیت بوده و برخی اصول کلی را نقض می‌کند و موجب نگرانی جامعه بین‌المللی می‌شود این جرائم دارای موارد بی شماری است که در منشورها و اساسنامه‌های مختلف از آن نام برده است. آثار این جنایات که اصول انسانیت و احکام و قواعد آن را زیر پا نهاده و تمام مصالح و مقتضیات آن را نادیده می‌گیرند، لزوماً متوجه کل نژاد انسان یا همه ابنای بشر نیست از این رو جنایات علیه بشریت در مورد این جنایات مناسب به نظر نمی‌رسد.^۱

بخش سوم: دیوان یوگسلاوی سابق

دیوان در سال ۱۹۹۳ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس قطع نامه شماره ۸۰۸، ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ و قطع نامه شماره ۸۲۷، ۲۵ می ۱۹۹۳ تأسیس شد. اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق متعاقب ارائه گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در ۳ می ۱۹۹۳ از سوی شورای امنیت تصویب شد. دیوان مزبور در شهر لاهه هلند مستقر است. دیوان از ۱۶ قاضی دائمی مستقل تشکیل شده است و در هر زمان حداکثر ۴ قاضی اختصاصی مستقل، از لیست دریافتی از بین نامزدهای دولت‌هایی که توسط شورای امنیت پذیرفته شده با در نظر گرفتن نمایندگی مناسب نظام‌های حقوقی از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. دادگاه جرائم جنگی ملل متحد برای یوگسلاوی سابق در سال ۲۰۱۷، بیش از دو دهه فعالیت به کار خود خاتمه خواهد داد در حالیکه تعدادی از پرونده‌های ناتمام آن ادامه خواهد داشت مانند پرونده مهم فرمانده نظامی صربستانی رانکلو ملادیچ.^۲ در آخرین قطعنامه‌ای که قرار بوده است آخرین تمدید مأموریت قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مستقر در لاهه باشد شورای امنیت سازمان ملل متحد کار این دادگاه موردی را برای جرائم ارتکاب یافته در جنگهای دهه نود میلادی تا نوامبر سال ۲۰۱۷ تمدید نمود. نوامبر ۲۰۱۷ میلادی آخرین مهلت دادگاه است تا احکام سه پرونده باقی مانده، دو پرونده در ارتباط با جرائم جنگی در بوسنی و هرزگوین و یک پرونده راجع به اهانت و اخلال در کار دادگاه را تعیین تکلیف کند. مهم‌ترین این

^۱ - یوسفیان بهنام، اسماعیل، محمد، حقوق بین‌الملل کیفری، ص ۱۶۹.

^۲ - Ranklo meladic





پرونده‌ها، یکی از طولانی‌ترین پرونده‌ها در تاریخ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق است در ارتباط با محاکمه رانکو میلادی که به ارتکاب نابود سازی جمعی نسل کشی و جرائم جنگی در مناطق تحت تصرف صرب‌ها در بوسنی و هرزگوین متهم شده است.^۱

بند اول: بررسی صلاحیت دیوان

دیوان یوگسلاوی سابق تابع حقوق ملی نیست و نسبت به دادگاه‌های ملی صلاحیت موازی دارد، هم چنین صلاحیت دیوان بر صلاحیت دادگاه‌های ملی برای تعقیب اشخاص مسئول نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی که در سرزمین یوگسلاوی سابق از ۱۹۹۱ ارتکاب یافته است مقدم است. دادستان، یک ارگان مستقل دیوان یوگسلاوی سابق است که عهده دار تحقیق و تعقیب اشخاص مسئول جرائم در صلاحیت دیوان است. با موافقت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص نامزد معرفی شده، دادستان به وسیله دبیرکل سازمان ملل متحد منصوب می‌شود. در دیوان محاکمه غیابی جایز نیست. دیوان یوگسلاوی سابق تنها حق دارد حکم به مجازات زندان صادر نماید. یک شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی سابق در پرونده آکاسیو تاکید کرد که به ویژه مهم است تا به نیت تهیه کنندگان پیش نویس کنوانسیون نسل کشی که با توجه به مذاکرات مقدماتی به وضوح قصد دارد از هر گروه ثابت و دائمی حمایت کنند توجه کنیم. دیوان یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ^۲ اشاره کرده است چنانچه نقض حقوق اساسی فرد به نحو تبعیض آمیز بر اساس یکی از دلایل مصرح وجود داشته باشد. بدین ترتیب لازم نیست تا یک عمل غیر انسانی جداگانه که تعقیب و آزار به شمار می‌رود وجود داشته باشد. همین‌طور دیوان یوگسلاوی سابق در دعوی مقرر داشت به موجب حقوق بین‌الملل عرفی نیاز نیست تا تعقیب و آزار در ارتباط با سایر جنایات بین‌المللی واقع شده باشد، که تعقیب و آزار به عنوان یک جنایت علیه بشریت را نفی فاحش یک حق اساسی، مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهداتی، به دلایل تبعیض آمیز که از منظر وخامت همانند

^۱ - ریستچ، ماریان، نویسنده خبرنامه حقوقی.

^۲ - Tadic

سایر جنایات علیه بشریت می‌باشد، تعریف می‌کند.^۱ به موجب قسمت ۹ ماده ۷ (۱) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ناپدید کردن اجباری اشخاص جنایت علیه بشریت به شمار می‌رود.^۲ هر چند اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق ناپدید کردن اجباری اشخاص را صریحاً به عنوان جنایتی علیه بشریت نشناخته بودند. این جرم می‌تواند مطابق با بند ط ماده ۵ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق تحت عنوان جرم (سایر اعمال غیر انسانی) مورد تعقیب قرار گیرد. در کنفرانس رم صرفاً تصمیم گرفته شد جرم ناپدید کردن اجباری و تبعیض نژادی را به عوض گنجاندن ضمنی آنها تحت عنوان جنایت علیه بشریت (سایر اعمال غیر انسانی) صریحاً روشن گردد.

بند دوم: بررسی بند ۸ ماده ۵ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق

شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ تاکید کرد که چون هدف تهیه کنندگان پیش نویس اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق این بوده که همه جنایات علیه بشریت را مجازات نمایند؛ بنابراین زمینه‌های تبعیض آمیز در بند ۸ ماده ۵ اساسنامه دیوان حصری نیستند.^۳ در قضیه بلاسیک^۴ شعبه اول بدوی دیوان یوگسلاوی سابق، متهم را به جنایت علیه بشریت تعقیب و آزار که شامل حمله به شهرها و روستاها، قتل عمد و ایراد صدمه بدنی شدید، تخریب و غارت اموال، بویژه از نهادهای اختصاص یافته به آموزش یا مذهب، رفتار غیر انسانی نسبت به غیرنظامیان، خصوصاً گروگان گرفتن و استفاده از آنان به عنوان پناهگاه‌های انسانی، انتقال اجباری غیر نظامیان می‌شد، مجرم شناخت. با این حال در مورد اعمالی که ممکن است تعقیب و آزار به معنای جنایات علیه بشریت به شمار روند محدودیتی وجود دارد.^۵ برای مثال در پرونده فیلک.^۶ در پرونده فیلک^۷ جرائم علیه تاسیسات صنعتی جنایات علیه بشریت شناخته

^۱ - آقایی، حسین، حقوق کیفری بین‌الملل، ص ۱۷۵.

^۲ - آقایی، حسین، حقوق کیفری بین‌الملل، ص ۱۷۷.

^۳ و^۴ - جنسیت، مکان، حسین، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

4 - BLASKIC

6-5- Filck



نشوند زیرا نمی‌توان گفت که گرفتن اجباری این اموال، به زندگی و آزادی مردم مظلوم صدمه وارد می‌سازد. بنابراین برای مقصر شناختن شخص به تعقیب و آزار به عنوان یک جنایت علیه بشریت دادستان باید وجود عناصر زیر را ثابت کند:

۱- نفی فاحش یا جدی یک حق اساسی که از نظر وخامت و شدت همسان سایر جنایات علیه بشریت باشد.

۲- دلایل تبعیض آمیز

۳- به طور کلی عناصر اساسی که در میان همه جنایات علیه بشریت مشترک است عبارت است از عملی غیر انسانی در ماهیت و خصوصیت که به قصد ایجاد رنج عظیم، یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی، در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان یافته انجام می‌شود و علیه جمعیت غیر نظامی ارتکاب می‌یابند ...

بند سوم: نسل زدایی

نخستین بار رافائل لمکین واژه یونانی genos به معنای نسل یا قبیله و پیوند لاتینی cide به معنای کشتن را در کنار یکدیگر قرار داد و اصطلاح genocide را وضع نمود. این کلمه در زبان فارسی به اشکال گوناگونی ترجمه شده است. نخستین بار در قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین المللی جلوگیری از کشتار جمعی (جنوسید) مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰ از کلمه (کشتار جمعی) برای این مفهوم استفاده شد.^۱ ممنوعیت جنایت نسل کشی همانگونه که در کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل زدایی ۱۹۴۸ آمده به بخشی از حقوق بین الملل عرفی تبدیل و یک قاعده آمره محسوب می‌شود. ماده ۲ کنوانسیون اخیر نسل زدایی را اینگونه تعریف کرده است: نسل زدایی عبارت است از ارتکاب هر یک از اعمال مشروحه زیر علیه یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی که قصد نابود کردن کلی یا جری آنها به دلیل دارا بودن این اوصاف صورت می‌گیرد:^۲

الف- کشتار اعضای یک گروه

۱- یوسفیان بهنام، اسماعیل، محمد، حقوق بین الملل کیفری، ص ۱۳۶.

۲- یوسفیان بهنام، اسماعیل، محمد، حقوق بین الملل کیفری، ص ۱۳۷-۱۳۸.



ب- ایراد آسیب جسمی یا روحی شدید به اعضای یک گروه
ج- قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمانی، کلی یا جزئی شود.

د- تحمیل اقداماتی که به قصد جلوگیری از زاد و ولد در یک گروه.

و- انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر

این تعریف در بند ۲ ماده ۴ اساسنامه دیوان یوگسلاوی سابق، بند ۲ ماده ۲ اساسنامه دادگاه رواندا و ماده ۶ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری عینا تکرار شده است.

قربانی جنایت نسل زدایی، در حقیقت گروه انسانی است نه فرد. نسل زدایی ناگوارترین شکل جنایت بر ضد انسانیت است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اولین اجلاس خود قطعنامه‌ای را تصویب کرد و در آن تاکید کرد نسل زدایی جنایتی بین المللی است که به دلایل مذهبی، نژادی، سیاسی یا زمینه‌های دیگر ارتکاب می‌یابد.^۱ مطابق با نظر دیوان بین المللی دادگستری نسل زدایی عبارت است از:

جنایتی به موجب حقوق بین الملل که متضمن نفی حق حیات تمام گروه‌های انسانی است جنایتی که وجدان بشری را تکان می‌دهد و موجب زیان‌های فراوان به بشریت می‌شود و برخلاف قواعد اخلاقی و روح و اهداف ملل متحد است، اولین نتیجه ناشی از این مفهوم این است که اصول مورد تأیید این کنوانسیون اصولی هستند که توسط ملل متحد شناسایی شده و دولت‌ها حتی بدون هرگونه تعهد قراردادی ملزم به رعایت آن‌ها هستند. برای تحقق جرم نسل زدایی نیازی به نبود کردن عملی یک گروه نیست. نسل زدایی می‌تواند ارتکاب یابد وقتی که یکی از اعمال مشروحه فوق با عنصر روانی لازم واقع می‌شود. جرم نسل زدایی می‌تواند هم از طریق فعل و هم از طریق ترک فعل واقع شود.^۲ امکان تحقیق جنایت نسل زدایی، با جمع شدن کلیه ارکان ضروری آن، در محدودهمشخصی از یک ناحیه یا منطقه جغرافیایی فراهم

^۱ - یوسفیان بهنام، اسماعیل، محمد، حقوق بین الملل کیفری، ص ۱۴۰.

^۲ - جنیسیست مکان، حسین، حقوق بین المللی کیفری، ص ۱۰۵.



است. همچنین طبق حقوق بین الملل عرفی، چنانچه از کنوانسیون نسل زدایی ۱۹۴۸ نیز پیداست نسل زدایی می تواند در شرایط صلح یا درگیری مسلحانه اتفاق افتد.^۱

بخش چهارم: تفاوت جنایت علیه بشریت و نسل زدایی

جنایت علیه بشریت از دل جنایت جنگی بیرون آمده و نسل زدایی از دل جنایت علیه بشریت در آمد. در نسل زدایی نیاز به سوءنیت خاص است و در جنایت علیه بشریت باید حمله‌ی گسترده با سازمان یافته باشد و این دامنه‌ی ارتکاب را محدود می کند (ماده‌ی ۸) وجه افتراق جنایت علیه بشریت با جنایت نسل زدایی در این است که نسل زدایی قصد خاص^۲ ناپدید کردن اعضای یک گروه معین لازم است که در مورد جنایات علیه بشریت قصد خاص لازم نیست. جنایات علیه بشریت از سوی دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو بعد از جنگ جهانی دوم نیز تحت تعقیب قرار گرفتند. بند ۳ ماده ۶ منشور نورنبرگ موارد زیر را به عنوان جنایات علیه بشریت تلقی کرده بود:

قتل عمدی، ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، تبعید و با هر عمل غیرانسانی دیگر که علیه مردم غیرنظامی، قبل از جنگ یا در حین جنگ ارتکاب یافته باشد یا تعقیب و آزار به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی در اجرا یا در ارتباط با یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه اعم از اینکه اعمال مذکور مغایر با قوانین داخلی کشوری که اشغال شده باشد یا خیر.^۳ جنایات علیه بشریت از سوی مجمع عمومی ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ و توسط کمیسیون حقوق بین الملل مورد تأکید قرار گرفتند. مفهوم جنایت علیه بشریت ادامه یافت. جرائم علیه بشریت و نسل زدایی از جرائمی هستند که دولت‌ها موظف هستند متهمین به آنها را در هر جا و از سوی هر کس اتفاق افتاده است محاکمه نمایند. از سوی دیگر دستگیری متهم در قلمرو کشور قاضی شرط اعمال صلاحیت محاکم نیست محاکم می تواند تحقیقات مقدماتی را تا زمان



^۱ - یوسفیان بهنام، اسماعیل، محمد، حقوق بین الملل کیفری، ص ۱۴۴.

^۲ - Douls specialis

^۳ - جنیسیست مکان، حسین، حقوق بین المللی کیفری، ص ۱۲۵.

دستگیری متهم و یا عنداللزوم درخواست استرداد وی انجام دهند.^۱ نظر هیات نمایندگی ایران در مورد نسل زدایی و جرائم علیه بشریت چنین اعلام گردید:

در مورد نسل زدایی نظر ما بر این است که باید در اساسنامه ذکر شود. در مورد جرائم علیه بشریت ضمن قول این که این جرائم ممکن است در زمان جنگ یا صلح واقع شوند به نظر ما عبارت داخل کروشه باید حفظ شود یعنی جرائم باید ((سیستماتیک و عمومی همه افراد را در بر گیرد)) باشد.

نسل زدایی یکی از جرائم وارد در حوزه صلاحیت ذاتی دادگاه بین المللی یوگسلاوی سابق می باشد. این عنوان مجرمانه در ماده ۴ اساسنامه دادگاه ذکر گردیده است. تفاوتی ندارد که این جرم در زمان جنگ اتفاق افتاده باشد یا در زمان صلح.

جرائم علیه بشریت نیز دسته‌ی دیگری از جرائم مشمول صلاحیت ذاتی دادگاه را تشکیل می دهند. تنها شرط برای قابل مجازات بودن جرائم علیه بشریت در اساسنامه یوگسلاوی این است که ارتکاب این جرم در جریان یک تخاصم نظامی باشد.

آنگونه که در ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی به تفصیل آمده است جنایت ضد بشریت را می توان در سه دسته عمده قرار داد.^۲

این سه دسته عبارتند از:

۱- جنایت بر ضد تمامیت جسمی و روحی افراد شامل: قتل، قلع و قمع، شکنجه و آزار مستمر؛

۲- جنایت بر ضد آزادی‌های افراد شامل: به بردگی کشیدن، کوچ یا انتقال اجباری جمعیت، حبس کردن یا محرومیت شدید از آزادی جسمانی با نقص قواعد بنیادین حقوق بین الملل، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن

^۱ - شریعت باقری، محمدجواد، حقوق کیفری بین الملل، ص ۱۴۸.

^۲ - مهرا، نسرین، فرآیندها، نظریه‌ها، چشم‌اندازها، حقوق کیفری بین المللی، ص ۲۰.



اجباری و هر شکل دیگر خشونت جنسی مشابه آنها، ناپدید کردن اجباری افراد و آپارتاید و ...

۳- سایر جنایات ضد بشریت که گرچه موارد آن مورد تصریح قرار نگرفته است با این حال هر گونه اقدامات خلاف موازین حقوق بشر غیر از موارد مذکور در فوق را می توان در دل آن جای داد.^۱

بند اول: شرایط تحقق جنایت علیه بشریت

مراد از حمله در ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده جنایت ضد بشریت، هر گونه فعالیتی است که سبب بروز آسیب به قربانیان آن باشد اعم از اینکه این حمله توأم با کاربرد زور، یا توأم با اجبار و الزام باشد؛ بنابراین حمله مورد نظر در اینجا الزاماً به معنای انجام عملیات نظامی نیست بلکه جنایت بر ضد بشریت می تواند در خارج از مخاصمات مسلحانه نیز ارتکاب یابد. در کنار مصادیق متعدد و متفاوت جرائم علیه بشریت، مستند به اساسنامه دیوان، شرایطی نیز برای تحقق آن در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

۱- وقوع حمله بر ضد جمعیت غیر نظامی

۲- گستردگی یا سازمان یافتگی

۳- در راستای سیاست دولتی یا گروهی بودن^۲

ماده ۵ اساس نامه دادگاه یوگسلاوی (سابق) عنوان جنایات بر ضد بشریت تصریح می نماید که این دادگاه بین المللی اختیار خواهد داشت افرادی که مسئول جنایات زیر هستند تحت پیگرد قرار دهد مشروط به اینکه ارتکاب جرم در خلال یک درگیری مسلحانه، خواه بین المللی صورت گرفته و متوجه هر جمعیت غیر نظامی باشد.^۳ این جنایات عبارتند از:

الف: قتل عمدی

ه: حبس کردن

ب: نابود ساختن

و: شکنجه

^۱ - مهرا، نسرين، فرآیندها، نظریه‌ها، چشم‌اندازها، حقوق کیفری بین المللی، ص ۲۵.

^۲ - دکتر نسرين مهرا، حقوق کیفری بین الملل، ص ۲۵.

^۳ - یوسفیان، بهنام، اسماعیل، محمد، حقوق بین الملل کیفری، ص ۱۷۵.



ج: به بردگی گرفتن ز: هتک ناموس به عنف

د: اخراج و تبعید چ: تعقیب و آزار مداوم به دلایل سیاسی نژادی و مذهبی

ط: سایر اعمال غیر انسانی

میانمار در عملیات علیه شبه نظامیان در استان راخین مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. این گروه حقوق بشری از شورای امنیت سازمان ملل خواسته است تا تحریم‌هایی را علیه میانمار اعمال کرده و این کشور را تحت تحریم تسلیحاتی قرار دهد. جیمز راس مدیر سیاسی و حقوقی دیدبان حقوق بشر در این باره تاکید کرد:

به گزارش گروه بین الملل: میانمار در عملیات علیه شبه نظامیان در استان راخین مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. ارتش میانمار به طور وحشیانه‌ای در حال اخراج مسلمانان روهینگیا از استان راخین است. کشتار روستائیان و آتش زدن گسترده که منجر به فرار مردم شده همه و همه جنایت علیه بشریت است.

بر طبق این گزارش از جمله جنایت علیه بشریت در دهه ۵۰ توسط استالین در شوروی و عراق در حکومت صدام و بوسنی ویتنام الجزایر که متاسفانه عدالت در اکثر آنها رعایت نشده است. جنایت علیه بشریت جنایاتی است که به علت شدت قساوت آن وجدان جامعه جهانی بر اثر وقوع آن جریحه دار می‌شود و اولیای دم این جنایت، کل بشریت است.^۱ مجلس هلند قتل عام ارمنیان در سال ۱۹۱۵ را به عنوان نسل کشی به رسمیت شناخت. مجلس هلند روز پنج شنبه ۳ اسفند ماه طرحی را به تصویب رساند که به موجب آن کشتار یک و نیم میلیون تن از ارمنیان ساکن ترکیه در سال ۱۹۱۵ را به عنوان نسل کشی به رسمیت شناخت.

بخش پنجم: ناپدیدسازی اجباری اشخاص به مثابه جنایت علیه بشریت

ناپدید سازی اجباری اشخاص یکی از زشت‌ترین و رقت بار ترین مصادیق جنایت علیه بشریت به شمار می‌رود. با پیدایش این واژگان در ادبیات حقوق بین الملل در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، اقدامات بین المللی برای مبارزه با این پدیده شوم جوامع انسانی آغاز گردید. ابتدا در خصوص جایگاه این جرم اختلاف نظر وجود داشت و به لحاظ خاستگاه

^۱ - خبرگزاری تسنیم به نقل از رویتر.



پیدایش آن، به عنوان یک جنایت جنگی شناخته می‌شود؛ اما بعدها معلوم شد که این جرم در زمان صلح نیز می‌تواند وقوع یابد. از این رو در اسناد بین المللی به عنوان یک جنایت علیه بشریت قلمداد گردید. به طوری که امروزه در حقوق بین المللی عرفی به عنوان یک قاعده با همین نام شناخته می‌شود. در حال حاضر این جرم هم می‌تواند به عنوان یک جنایت علیه بشریت شناخته شود و هم می‌تواند به عنوان یک جرم مستقل به منزله نقض حقوق بشر قلمداد گردد.^۱

بند اول: جرائم علیه بشریت در صحرای غربی

دولت مراکش از آغاز اشغال صحرای غربی در سال ۱۹۷۵ تا کنون مرتکب جرائم علیه بشریت شده است و حقوق بشر اهالی صحرای غربی که در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند را به طور مستمر نقض نموده است. صحرای غربی و اهالی آن نیازمند عدالت - سازش و شناسایی اعمال متخلفانه ای هستند که علیه آنان ارتکاب یافته است. جرائم علیه بشریت همانطور که از این مفهوم پیداست به جرایمی اشاره دارد که به نحو خاصی بر کل جامعه جهانی تأثیر می‌گذارد. این موارد متشکل از برخی شدیدترین جرائم از قبیل قتل - قلع و قمع (نابودسازی)، به بردگی کشاندن، اخراج از سرزمین و شکنجه می‌باشد. این جرائم به دلیل شدتی که دارند نه تنها علیه شخص قربانی ارتکاب می‌یابند بلکه جرم علیه بشریت نیز محسوب می‌شوند. این مفهوم در سال ۱۹۱۵ پدیدار گشت یعنی زمانی که بریتانیا و روسیه فجایع ارتكابی علیه جمعیت ارمنه در ترکیه را جرائم علیه بشریت خواندند. جرائم علیه بشریت به طور رسمی، نخستین بار در منشور دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ درج گردید. جنایت بین المللی مفهومی است که پای فرد حقیقی را به طور مستقیم به چهار چوب تکالیف بین المللی باز می‌کند هر چند که فرد تابع فعال حقوق بین الملل به شمار نمی‌روند.^۲



^۱ - مهرا، نسرين، فرآیندها و نظریه‌ها و چشم‌اندازها، حقوق کیفری بین الملل، ص ۴۱۵.

^۲ - مهرا، نسرين، فرآیندها و نظریه‌ها و چشم‌اندازها، حقوق کیفری بین الملل، ص ۴۵۱.

منابع و مآخذ

- ۱- حقوق بین‌المللی کیفری، مهرا، نسرین، فرایندها و نظریه‌ها و چشم‌اندازها، ص ۲۰ انتشارات
- ۲- «معضل تروریسم و اقدامات سازمان ملل متحد برای مواجهه با آن» فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، شماره ۳ و ۴، سال ۱۳۷۵
- ۳- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۹ - ۳۰
- ۴- درآمدی بر تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌الملل سال ۱۳۷۷
- ۵- کشتار جمعی - مجلسه حقوق ش ۱۱ - سال ۱۳۶۸
- ۶- تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با شکنجه و رفتارهای غیرانسانی - مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی - سال سوم - ش - ۱۰ و ۹ - سال ۱۳۸۲
- ۷- «نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در توسعه حقوق بشر» - اندیشه‌های حقوقی، ش ۳ - سال ۱۳۸۲
- ۸- قواعد کاربردی مخاصمات مسلحانه - انتشارات امیرکبیر - سال ۱۳۵۳
- ۹- نگاهی اجمالی به تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری - مجلسه حقوق ش ۹ - سال ۱۳۶۷
- ۱۰- مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین‌الملل - مجله حقوق ش ۹ - سال ۱۳۶۷
- ۱۱- جامعه بین‌المللی و کشتار جمعی - مجله تحقیقات حقوقی - ش ۱۰
- ۱۲- مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل - مجله حقوقی - ش ۸





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی